

نقد و بررسی جُنْگ نویافته از قرن هفتم هجری قمری (جُنْگ کاشی)

مجتبی صفرعلیزاده *

چکیده

نوشته حاضر بر آن است با اتکا به مستندات برون متنی و درون متنی معلوم کند که کاتب و مؤلف دست نویس حاضر، از عزالدین عبدالعزیز کاشی شاعر، نویسنده و کاتب اواخر قرن هفتم و ابتدای قرن هشتم هجری است. با جستجوی اشعار مؤلف در جُنْگ‌ها و سفینه‌های مختلف برخی از اشعار وی در روضة الناظر، نزهة الخاطر و مقدمه رساله قلمیه تحت عنوان مؤلف یافت گردید که این دست نویس به خط و همت عزالدین عبدالعزیز کاشی تألیف شده است. آغاز و انجام این نسخه خطی افتادگی دارد. در این جُنْگ ادبی شعر شاعران معروف (فردوسی، دقیقی، اسدی طوسی، خاقانی، حافظ، متنبی، ابونواس و ...) و گمنام (شمس کاشی، صابن الدین تبریزی، صدرالدین اشنوی، توره پستی، یوسفی، رستمی و ...) درج گردیده که در نوع خود نویافته و بی سابقه است و همچنین ضبط متفاوتی از اشعار شاعران با نام یافت می شود که می تواند در تصحیح انتقادی متون نظم به عنوان مأخذ موثق در اختیار ادب پژوهان قرار بگیرد.

کلید واژه‌ها: عزالدین کاشی، شمس الدین کیشی، مؤلف جُنْگ، قرن هفتم و هشتم.

* - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران.

مقدمه

جنگ وام واژه شرقی است که فارسی زبانان آن را به جای مجموعه، سفینه، یا بیاض به کار گرفته‌اند؛ در لغت به معنی کشتی بزرگ و در اصطلاح به دفتر سفید با قطع کشیده و طولانی اطلاق می‌شد که تلفیقی از اشعار شاعران مشهور و شاعران ناشناخته و بی‌دیوان عجم و عرب را در موضوعات گونه‌گون حکمی و بزمی و رزمی با قالب‌های متفاوت ادبی گرد هم آورده است؛ غالباً برخاسته از ذائقه مؤلف و پسند جامعه مردمان معاصر خود می‌باشد. «می‌توان آن مجموعه‌ها را خلاصه‌الطبع شاعران و خواننده و معیاری برای نقد ادبی هر روزگار دانست.» (رضاپوریان، ۱۳۹۵: ۷۱) این مجموعه‌های ادبی از لحاظ دارا بودن اشعار از قلم افتاده و ارائه ضبط‌های جدید از اشعار شاعران شناخته شده نقش مهمی در فهم متون ایفا می‌کند. «ظاهراً نام جنگ بر مجموعه‌های خطی قرن هشتم گذاشته نمی‌شد و معمولاً سفینه و بیاض معمول بوده است.» (افشار، ۱۳۸۰: ۷۱) قدیمی‌ترین نمونه‌های جنگ در اوایل قرن نهم دیده می‌شود.

جنگ حاضر، به شماره ۳۰۴۷ مربوط به قرن هفتم و هشتم ه.ق از نسخ خطی اهدایی شادروان حاج محمد نخجوانی به کتابخانه ملی تبریز می‌باشد. مطابق تشخیص صائب هاشمیان ظاهراً این نسخه خطی به خط خود مؤلف نگاشته شده که در ۲۲۴ برگ و هر برگ در ۲۵ سطر به خط نسخ تحریر شده است و اندازه جلد مقوایی آن ۲۵×۱۶ و ضخامت ۵ سانتی متری می‌باشد؛ و آغاز و انجام نسخه افتادگی دارد. (فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه تبریز: ۳۲۸)

پیشینه تحقیق

نخستین بار دولت‌آبادی در مقاله‌ای تحت عنوان «جنگ نخجوانی» نوشته است که مؤلف و کاتب مجموعه حاضر ناشناخته است (دولت‌آبادی، ۱۳۸۳)، بنابر این با مراجعه به مقالات متعدد من جمله: «کتاب‌شناسی و نسخه جوئی عزالدین عبدالعزیز کاشی» و مقاله «باغ نظر و رامش دل» و رساله‌ای با عنوان «تصحیح و تحشیه روضة الناظر و نزهة الخاطر عزالدین عبدالعزیز کاشی» و مقابله ابیاتی که تحت عنوان «مؤلف» در روضة الناظر و نزهة الخاطر و این دست نویس بود، گام‌های تحقیق را برای شناساندن دقیق کاتب و مؤلف نامعلوم این نسخه خطی طی کنم.

مقایسه برخی اشعار مؤلف این نسخه خطی با جنگ روضة الناظر و نزهة الخاطر

داعیک علی الباب نهاة البواب
بالردعن الدخول فاغتم خاب
ما تأمر کالتکبئة هل تُرجعه
أم تُدخل کالدولة من غیر حجاب

«رباعی بالا در جنگ مورد تحقیق تحت عنوان «عزکاشی» در برگ ۱۹۷ و عیناً بدون اختلاف در روضة الناظر و نزهة الخاطر ذیل عنوان «مؤلف» نقل شده است.» (رشیدی آشجردی، ۱۳۸۳: ۱۵۰) یا رباعی:

چون تیر قضا گشاده از شست تو نیست
راضی شو اگر کار به بایست تو نیست
خوش باش که در تصرف نیک و بدت
سر رشته اختیار در دست تو نیست

در برگ ۷۰ این جنگ تحت عنوان «مولانا عزالدین» و بدون کم و کاست در برگ ۸۱ روضة الناظر و نزهة الخاطر ذیل عنوان «عزالدین کاشی» وارد شده است.

یا

غزلی شش بیتی در فصل اول باب دوم همین دست نویس «در وصف المکتوب و الکاتب و ما صدر عن المخاطب» ذیل عنوان «مؤلف» آمده است که با این دوبیت شروع و ختم می شود:

ای نکو سیرت نکو منظر
روشنائی چشم و نور بصر
مشمتمل بر فنون لطف رسید
به کمین بنده کمترین چاکر
(برگ ۱۰۷)

که فقط سه بیت از غزل مانحن فیه در برگ ۱۱۹ روضة الناظر و نزهة الخاطر کاشی ثبت شده است.

قطعه ای دو بیتی در برگ ۱۰۸ این جنگ و برگ ۱۱۹ روضة الناظر و نزهة الخاطر عیناً ذیل عنوان «مؤلف» نقل شده است:

کاغذ و حبر در دیار شما
هیچ گویی به دست ناید
یا نه خود اقتضای رای شماست
که التفاتی به من نفرماید

در این جُنک موضوع اخوانیّات نیز آمده است: «اخوانیّات نامه‌های منظومی است که شاعران بر یک وزن و قافیه می‌سرایند و میان یکدیگر ردّ و بدل می‌کنند.» (شمیسا، ۱۳۸۱: ۲۶۱) و «در آن از عواطف قلبی، اشتیاق‌های درونی و پیوندهای دوستی سخن رانند.» (حکیمیان، ۱۳۵۱: ۶۲) اخوانیّات عزالدین کاشی با سیدگلستانه در برگ ۱۶۷ این نسخه خطّی این گونه ضبط شده است:

عزّکاشی:

چنان کسی به چنین کسی التفات کند	ز حال غم زدگانت چه غم چنانکه تویی
ز حال غم زدگانت چه غم چنانکه تویی	به آفتاب جمالت که قبله گاه دلست
که گر جناب تو یک ذره التفات کند	ز جان کند دل بیچاره بندگیت چنانک
هوای چاره بیچارگان بسیت کند	وگر تو عار نداری و عیب نشماری
به خاک پای محبّت که سر فدرات کند	

سید گلستانه در جواب:

سر از نشاط بزرگی برآسمان سایم	اگر به جانب این بنده التفات کند
چو مایلی به همه کس توقّعت مرا	که میل صحبت ما نیز گه گهیت کند

و له:

هزار جان گرامی دلم فدرات کند	شکسته وار گرم لطف التفات کند
ز روی لطف و مروّت ز راه فضل و کرم	بپرس حال ضعیفان اگر کرات کند
و گر تو یاد نیاری زمن عجب نبود	چنان کسی به چنین ناکسی التفات کند

در دیباچه رساله قلمیه فارسی کاشی، ۵ بیت از «عزالدین عبدالعزیز کاشی» این گونه آمده است:

روان و تروتازه چون آب حیوان	خوش و خوب و خرّم چو روز جوانی
دلا رای همچون گل نو شکفته	طرب زای همچو می ارغوانی
چو باغ بهشت از فنون لطایف	فروزنده در وی چراغ معانی

نظرگاه دیده چو ارتنگ مانی
روان بخش چون چشمه زندگانی
کوعد الحیب و غض الرقیب
و وصل الغوانی و نیل الأمانی
(عمادی حائری، ۱۳۸۳: ۳۹۱)

غزل بالا به جز بیت آخر عربی بدون اختلاف واژگان در برگ ۱۰۸ این جُنگ ضبط شده است. با این قرائن دستیاب می‌شود که جُنگ مذکور تألیف «عزالدین عبدالعزیز کاشی» است. این جُنگ چون دیباچه و رقم ندارد؛ لذا نام کاتب صراحتاً نیامده است؛ لیکن از عنوان ابیات عربی و فارسی که از نیایش نقل کرده است می‌توان او را نوۀ حکیم نامی شمس‌الدین محمد الکیشی (م ۶۹۴ ق) قلمداد کرد:

علو الكعب بالهم العوالی
و عز المرء فی سهر اللیالی
و من رام العلی من غیر کد
أضاع العمر فی طلب المعالی
(برگ ۶۷)

دو بیت بالا در برگ (۶۷) ذیل عنوان «لجد الکاتب و هو المولانا المرحوم شمس الملة والدین محمد الکیشی طیب الله مرقدہ» ضبط شده است. و سه بیت:

فرصت عمر و امن و صحت را
مرد عاقل ز دست نگذارد
قدر وقت فراغ بشناسد
حظ خویش از زمانه بردارد
جبر تقصیر دی کند امروز
کار فردا ز پیش بگذارد

در برگ (۷۸) جُنگ حاضر تحت عنوان «لجد الکاتب و هو المولانا المرحوم شمس الملة والدین الکیشی غفر الله عنه» نقل شده است. در مقاله «شاعران منطقه فارس در عرفات العاشقین» آمده است: «این بیت‌ها را عبدالعزیز کاشی در جُنگ روضة الناظر و نزهة الخاطر به نیای خود نسبت داده و همین درست است.» (نحوی، ۱۳۹۳: ۳۵)

عزالدین کاشی به کتابت نیز مشغول بود؛ دو نسخه خطی زیر به خط و کتابت کاشی بر جای مانده که مهم‌ترین سند در مورد نام و نسب و احوال او محسوب می‌شود: «نسخه خطی الرساله شرقیه صفی‌الدین ارموی در کتابخانه ملی ایران شرح مفصل عزالدین کاشی.» (عمادی، ۱۳۸۳:

۲۸۲) و ذکر این نکته ضروری است که عزالدین عبدالعزیز کاشی، قسم دوم از سه قسم این جنگ ادبی را به آداب مکاتبات و مراسلات می‌پردازد؛ با این تقدیر دستیاب می‌شود که کاتب و مؤلف جنگ حاضر، عزالدین عبدالعزیز کاشی است.

عزالدین عبدالعزیز بن ابی الغنائم بن احمد بن ابی الفضائل کاشی (همان: ۳۸۳) شاعر و کاتب و نویسنده اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هجری است؛ «از زندگی وی آگاهی چندانی در دست نیست آنچه مبرهن است، آنست که ایشان تا ۷۳۲ق تاریخ تألیف «سفینه تبریز» در قید حیات بودند و مؤلف آن از عزالدین کاشی با جمله دعائی «دامت فضله» و با عنوان «الامام الفاضل الکامل» یاد می‌کند.» (تبریزی، ۱۳۸۱: ۷۱۶) با محمود گلستانه (۷۵۰ق) مؤلف «أنیس الوحده و جلیس الجلوة» آشنایی و مکاتبه داشته است؛ خود عزالدین کاشی پنج بیت از امیر محمود گلستانه را در این نسخه خطی ضبط کرده است:

بیت نخست:

یاد باد آنکه ما جوان بودیم
برخور از وصل دوستان بودیم
بیت آخر:

وز غم روزگار پر فتنه
دائم الدهر درامان بودیم
(برگ ۱۲۱)

عزالدین کاشی در این جنگ به اقامت خود در کاشان اشاره می‌کند:

اشتیاقم به حضرت عالی
که همیشه رفیع و عالی باد
آن چنانست اکثر اوقات
کز وجود خودم نیاید یاد
چه وجود و چه یاد پنداری
ز اشتیاق ای زدم نهاد نهاد
دلّم آنجا مقیم کرد مقیم
شاد و خرم که شاد بادی شاد
وصف بنده ست گویی این معنی
تن به «کاشان» و دل به «نوشاباد»
(برگ ۱۳۰)

به اقتضای موضوع اشعار یکتایی از امامان شیعه (ع) در اثنای این گلچین ادبی درج شده است؛ من جمله: اشعار امام علی (ع)، امام رضا (ع)، امام حسین (ع) و امام باقر (ع) و اشعاری که بزرگان

ادبی عرب در منقبت امامان سروده‌اند؛ رباعی وی در برگ (۲) این جُنگ سند قاطع در بارهٔ مذهب عزالدین کاشی است:

در مملکت شرع شهنشاه علیست وز هردو جهان حقیقت آگاه علیست
سر حلقهٔ اصحاب یمین سر خدا سلطان حقیقت ولی الله علیست

مؤلف این مجموعهٔ خطی (عزالدین عبدالعزیز کاشی) اشعار عارفانی چون شیخ شهاب‌الدین سهروردی، عبدالرزاق کاشی، شیخ ناصرالدین بجه‌ای و قطب‌الدین شیرازی ... نیز ذکر کرده است.

آثار عزالدین کاشی

- «جُنگ کاشی» (نسخهٔ خطی مورد نظر در این تحقیق)

- روضة الناظر و نزهة الخاطر عربی - فارسی

- منتخب روضة الناظر و نزهة الخاطر» (دانش پژوه، ۱۳۸۳: ۱۱۲)

«رسالة قلمیه» (عربی) رساله ایست به نثر مسجع و موزون در توصیف قلم» (عمادی حائری،

۱۳۸۳: ۳۸۵)

«رساله قلمیه» (فارسی) این رساله به همان سبک قلمیهٔ عربی نگاشته شده است.» (درایتی، بی

تا: ۲۸۴/۸)

ساختار جُنگ

قطعات شعر با عنوان‌هایی چون «هموراست»، «نام شاعر»، «له»، «لغیره»، «ندانم کراست»، «مثنویه»، «رباعیه»، «لمؤلفه»، «ایضاً»، «لأعرابی»، «غ»، «ع»، «لأدری لقائله»، «لمؤلف الكتاب»، «هاتفاً یقول»، «لعبید الله»، «للمؤلف»، «بیتان»، «فرد»، «م» و «شعر» برای فاصله گذاری اشعار از هم و ردیابی مطلب مشخص شده‌اند برخی ابیات نیز ذیل عنوانی مانند: «فی الحبر»، «فی المیزان»، «فی العنب» و «فی الدینار» درج گردیده است تا مخاطب به آسانی دریابد که بیت یا بند از کجا شروع شده و به کجا ختم می‌شود:

لمؤلف الكتاب

بر سر دشمنت زندگی مباد
 خاک گشته بر آورد فریاد
 (برگ ۱۶)

خصم پیدا گر به نام تو باد
 همچو گلبرگ تارک و ترکش

لمؤلفه

عروء و ثقی خلق و جبل متین است
 نادره گردش شهر و سنین است
 کاختر جودش بر اوج چرخ برین است
 کان ثبات و وقار و رأی رزین است
 گاه عطا نزد او بخیل و ضنین است
 آنکه برین حقیر پیر گوشه نشین است
 کرد اشارت به سوی خواجه که این است
 (برگ ۲۳)

ای که بر عاقلان رکاب و عنانت
 دی یکی از دوستان بنده که امروز
 گفت درین وقت ز اهل عصر کدام است
 معدن مردی و مردمی و مروّت
 حاتم طی با وجود جود و سخاوت
 سرور نیکان این صوامع عالی
 از سر عزّت به صد هزار تواضع

لقائله

خیسی القنا و مخالیبی آسیاخی
 والإرض داری و الوری أضيافی
 (برگ ۶)

إنی أنا الأسد الهذیر یرلدی الوغا
 الدهر عبدی و السماحة خادمی

هموراست

مثل تو نه چشم دید و نه گوش شنید
 در حلق صدف لعل شود مروارید
 (برگ ۲۳)

شاهها کرمت ز قاف تا قاف رسید
 گر سایه تیغ تو فتد بر دریا

ندانم کراست

کشد سر هر زمان چون خارپشت اندر خم چنبر
 هوا ازجان و چرخ ازگرد و خاک از خون و دست از سر

ایا شهی کز آسیب سر شمشیر تو گردون
 گه حرب و مصاف و حمله و لیکن تو برگردد

گه جود و عطا و بذل و احسانت تهی گردد / زمین از گنج و بحر از درّ و کوه از سیم و کان از زر
(برگ ۴۹)

فی المیزان

و قاضی قضاءً يفصل الحكم ساكنا / و بالحق يقضى لاييوح فينطق
قضى بلسان لا يمیل و أن يمیل / الی أحد الخصمین فهو مصدق
(برگ ۲۱۶)

اغلب ابیات بی رعایت فواصل مصاریع به شکل عبارتی منثور کتابت شده است. در این نسخه خطی رکابه نویسی دیده می شود و این رکابه ها در گوشه سمت چپ صفحه راست کتابت شده است. کم نقطگی در کلمات کلّ نسخه به طور یکسان رعایت شده است. خطّ متن به نسخ است و با خطّ حواشی فرق دارد؛ در برخی جاهای حاشیه بدون هیچ ترتیبی ابیاتی به زبان فارسی و عربی و دو بیت به زبان ترکی به خطّ گوناگون نسخ، نستعلیق و چلیپا مرتبط با موضوع نوشته شده است. اشعار عربی اعراب ندارد؛ فقط درسه بیت زیر چهار کلمه مشکول ضبط شده است:

مکن تا توانی دل خلق ریش / و گر می «کنی» می «کنی» بیخ خویش
(برگ ۲۰۲)

هر «گه» که غم ملازم دل شود / یا قصه کار خویش مشکل شود
(برگ ۲۰۶)

ای که «سُکّان» این رواق کبود / می دهندت زجان سلام و درود
(برگ ۳۴۱)

رسم الحروف

همزه در اغلب کلمات مهموز عربی نوشته نمی شود.

آ: ابتداءً (برگ ۱۶) شأً (برگ ۱۶) هیجاً (برگ ۱۶)

«پ»، «چ» به یک شکل (با یک نقطه) و «ذ» معجمه در همه جا کتابت شده است:

هرج (برگ ۱)، جهره (برگ ۱۵)، مجکان (برگ ۱۵۲)، ...

صذرخنه (برگ ۹)، ایزذ (برگ ۱۳)، خورشیدست (برگ ۲۷)، ...
 بوشیده (برگ ۱)، برده (برگ ۹)، باره باره (برگ ۱۵)، ...
 گ (بدون کشیده):
 نکشتی (برگ ۲)، شنک (۹)، کل صذبرک، (برگ ۲۲)، ...
 کی (که): (برگ ۹)، (برگ ۲۴)، (برگ ۴۹)، (۱۶۳)، ...
 ج (چه): (برگ ۸۵)، (برگ ۱۴۶)، (۲۴۰)، ...
 ت (ة): ملّة (برگ ۳۷)، خدمة (۳۴۱)، حیاة (۱۳۳)، جهة (۱۱۱)، ...
 «همزه» و «آ» به شکل الف نوشته می شود.
 ی (ء) یای کوچک به عنوان علامت اضافه کتابت می شود:
 تباںجھاء ادب (برگ ۳۳)، گھرهاءشب (برگ ۱۲)، درباءکفت (برگ ۳۲).
 «یاء» بعداز «الف» زائد به شکل همزه نوشته نمی شود:
 دايم (برگ ۷)، خزاین (برگ ۱۸)، سایلان (برگ ۳۱).

رسم الخط

اتّصال کلمات: علیست (برگ ۲)، قیامتست (برگ ۹)، توقیعت (برگ ۱۱)، جناںک (برگ ۱۹)،
 بچود (برگ ۱۲)، رک جانها (برگ ۱۰)، بارکاه (برگ ۱۱)، کاسمان (برگ ۱۳)، هیجکس (برگ ۱۵)،
 انجای (برگ ۱۶)، میکفت (برگ ۱۷)، انک (برگ ۲۰)، جشمها (برگ ۲۰)، کرا (برگ ۲۱)،
 روانرا (برگ ۲۴)، همجنان (برگ ۲۵)، تواش (برگ ۲۷)، سینها (برگ ۳۱)، بیکمان (برگ ۴۹)،
 نیم (برگ ۶۸)، کیم (برگ ۷۰)، انجنان (برگ ۷۱)، نه براکندهام (برگ ۱۲۱)، یکنفس (برگ ۱۲۲)،
 جکفت (برگ ۱۳۸)، نسختی (برگ ۱۴۱)، جکنی (برگ ۱۴۷)، بعقلستی (برگ ۱۵۱)، کجوا (برگ ۱۵۴)،
 بیخبر (برگ ۱۷۸)، کجوينده (برگ ۱۸۹)، نهمجوا (برگ ۱۹۸)، کانجنانم (برگ ۲۵۵)،
 کاکنونست (برگ ۲۵۲)، نه نبشت (برگ ۳۸۸)، حادثها (برگ ۳۷۹)، وعدها (برگ ۲۶۵)، ...
 انفصال کلمات: هم عنان (برگ ۱۵)، و شاه راه (برگ ۱۶).

نشانه‌های کتابتی و سجاوندی

۰ : علامت تذکار و برجسته کردن نکته ای مغشوش است؛ شماره فصل ۲۱-۲۲ سفید است احتمال دارد کاتب در مورد شماره مطلوب دچار شک و تردید گردیده است. (برگ ۹۵)

، : اتمام باب و فصل (برگ ۱۴۸)، (برگ ۱۲۴)، (برگ ۱۳۲)، ...

م : ختم مصراع و بیت (برگ ۱۸۳) (برگ ۳۸۸) (برگ ۴۳۱)

م : مقدم (حاشیه برگ ۴۳۹)

خ : مؤخر (حاشیه برگ ۴۳۹)

خ : نسخه بدل (برگ ۲۳۱)

غ : مترادف لغیره، آخر، غیره (برگ ۵۰)، (برگ ۶۵)، (برگ ۲۲۳)، ...

ع : مخفف «غ» (برگ ۲۳۵)، (برگ ۲۳۷)، (برگ ۳۵۸)، ...

صح : تصحیح شده (برگ ۷۰)، (برگ ۱۴۰)، ...

صح : افزوده شده (برگ ۶۴)، (برگ ۱۰۲)، (برگ ۱۲۳)، ...

گویا، این مجموعه خطی مسوده است چون جرح و تعدیل‌هایی مانند: خط خوردگی و خط ترقین (در روی کلمه) و اصلاحات و اضافات (در متن و حاشیه) رؤیت می‌شود؛ مثلاً روی «بخور» خط کشیده و بالای آن «به خار» نوشته است:

گر دست به بخل بر نهی جود شود
ور پای به خار بر نهی عود شود
(برگ ۱۶)

خرد باید اندر سر [مرد] و مغز
نباید مرا چون تو دستار نغز
(برگ ۹۳)

در بیت بالا "مرد" درون متن با خط ریز افزوده شده است
یا:

عهدیست کزو لاف بسی نتوان زد
یک [گام] بکام با کسی نتوان زد
آن دوست نباشد که شکایت [کند] از دوست
بر خون که دلارام بریزد دیتی نیست
(برگ ۸۱)

«کند» با رمز صحّ در حاشیه ثبت شده بود.

سَخَا هَنگَامِ دَرَوِیْشِی [فَزُونِ تَر] کُنْ کِهْ شَاخِ رِزْ
چو درویش خزان گردد پدید آید زر افشانش
(برگ ۶۴)

«فزونتر» با رمز صحّ در حاشیه آمده است.

إِصْبِرْ عَلَی الدَّهْرِ لَا تَغْضَبْ عَلَی أَحَدٍ
فَلَا تَرِیْ عِزًّا مَا فِی اللُّوْحِ مَحْفُوظٍ
(برگ ۷۰)

در بیت بالا روی عزّ علامت اصلاح گذاشته و در حاشیه با رمز صحّ «غیر» نوشته شده است.
در حاشیه برگ ۴۰ بیتی ذیل نام طغرایبی افزوده شده است:

أَصَالَةُ الرَّأْيِ صَانَتِي عَنِ الْخَطْلِ
و حَلِيَّةُ الْفَضْلِ زَانَتِي عَنِ الْعَطْلِ

قصیده هفت بیتی از ابوالذینه در حاشیه برگ ۸۰ نوشته شده است؛ بیت نخست:

مَا كُلُّ يَوْمٍ يَنَالُ الْمَرْءَ مَا طَلَبَا
و مَا يَسُوغُهُ الْأَقْدَارُ مَا وَهَبَا

قصیده هفت بیتی از کمال الدین اسماعیل در حاشیه برگ ۳۴ افزوده شده است؛ بیت نخست:

دَلِيٌّ كِهْ بَا تَوْنِهْ چُونِ مَسْطَرِّ اسْتِ بَرِ خَطِّ رَاسْتِ
بَسَانِ جَدُولِ تَقْوِيمِ غَرَقَهْ دَرِ خُونِ بَادِ

دو بیت در حاشیه برگ ۸۹ به زبان ترکی ثبت شده است:

کامله صفّ نعال اولسه نوله جای
هرندلکو منزل اعلاکه وار اجهلده دیر

حال عالم بویله در شاخ اوزره گورکم میوه تک
خامی بالاده کمال ایرمشی اسفنده دیر

عزالدین کاشی در نگارش این جنگ ادبی سبک نگارشی بدیعی را به کار می برد بدین شکل
که ابتدا دوبیتی عربی از شاعری می آورد؛ سپس در ذیل آن ابیاتی یا بیتی از شاعر دیگر باهمان
مفهوم ذیل عنوان «ترجمه» ذکر می کند:

إِنَّ الرِّيحَ إِذَا إِشْتَدَّتْ عَوَاصِفُهَا
فَلَيْسَ تَرْمِي سَوَى الْعَالِي مِنَ الشَّجَرِ

ترجمه:

زبادی کو کلاه از سر کند دور
گیاه آسوده گردد سرو رنجور

(برگ ۹۰)

دو بیت در برگ ۱۱۷ ذیل عنوان «ابن فارض»:

و كلّ أذى في الحبّ منك إذا بدا
و ما حلّ من مجنّه فهى محتته
ترجمه:

در عشق تو هر چند زجورت بستم
هر محنت و غم کز تو بود بگشاید
جعلت له شكري مكان شكيتي
و قد سلمت من حلّ عقد عزيמי

عنوان اشعار و فصل و بابها با مرکب شنگرف و اشعار متن و حواشی هر دو با مرکب مشکی کتابت شده است.

نخستین برگ این دست نویس با ابیاتی از ترکیب بند جمال الدین عبدالرزاق اصفهانی آغاز می شود که مؤلف به اشتباه از قاضی نظام الدین اصفهانی نقل شده است؛ بیت نخست:

ای مسند تو و رای افلاک
صدر تو و خاک توده حاشاک
(برگ ۱)

و با رکابۀ «کام دل من» و عنوان «شمس کاشی» خاتمه می یابد؛ با استناد به ورق ۲۳۵ جُنگ «روضه الناظر و نزهة الخاطر» کاشی، رباعی:

کام دل من دوش برآمد ز لبی
گر زنده شوم به روی و مویش چه عجب
کافکنند چو می در دل و جانم طربی
سرمایه عمر چیست روزی و شبی

ذیل عنوان «شمس کاشی» ضبط شده است. (مدبری، ۱۳۹۵: ۹۰)

محتوی جُنگ

این مجموعه شعری از سه قسم، بیست و هفت باب و هشتاد و پنج فصل تشکیل شده است؛ با این توضیح که فصل ۲۲ از باب دوم قسم اول و فصل ۲ از باب نهم قسم دوم از قلم افتاده است؛ مؤلف، نسخه را به سه بخش تقسیم کرده و به هر بخش نام «قسم» نهاده و منقسمات اصلی قسم را با عنوان «باب» و تقسیمات فرعی باب را «فصل» نام گذاری کرده است.

عنوان‌های قسم اوّل و باب اوّل و فصل اوّل به دلیل افتادگی آغازین نسخه خطی معلوم نیست، و عنوان اشعار با فصل ثانی شروع می‌شود؛ فصل ثانی [از باب اوّل قسم اوّل] در موضوع کرم و مروّت و شجاعت (برگ ۴)، قسم ثانی در موضوع مکاتبات و مراسلات (برگ ۱۰۴) و قسم ثالث در موضوع متفرّقات (برگ ۲۱۶) تألیف شده است.

تصحیح این دست نویس منحصر بفرد به سبک قیاسی انجام گرفت. ابیات عربی اعراب گذاری شد. ابیات بی‌نام در حدّ توان از دواوین و کلیات‌ها و جُنک‌ها مشخص گردید. اشعاری که ذیل عنوان مشخصی نوشته شده بود، بررسی شد، تا با اشعار شاعران دیگر اشتباه نشود. اشعار شاعران مندرج در این جُنک با دیوان‌های چاپ شده آنها مقابله گردید و ابیات نو و بی‌سابقه و ضبط‌های متفاوت در پاورقی درج گردید. اشکالات صرفی کلمات عربی در پاورقی ثبت شد. مآخذ آیات و اقوال و احادیث نوشته شد. زندگی نامه شاعران ناشناخته همراه با لغات غریب الاستعمال توضیح داده شد.

در این جُنک ادبی بیش از ۱۱۰۰۰ بیت درج گردیده است؛ از شاعران معروف می‌توان فردوسی، دقیقی، عنصری، خاقانی، مسعود سعد سلمان، فلکی شروانی، نظامی، مجیر بیلقانی، ازرقی، سنایی، حافظ، سعدی، انوری، ظهیر فاریابی، نزاری قهستانی، ... و کمیت، متنبی، ابو نواس، فرزوق، طغریایی، بحتری، بشّار برد، ابوالعلاء معری، ابوتمام و ... نام برد. برخی از شاعرانی که اشعارشان در این منتخب خطی آمده است، دیوان مدوّن و مرتبی ندارند، از قبیل: افضل کاشی، زین‌الدین نسوی، ابن سینا، شمس کاشی، فراری، مولانا حمید نجاتی، قاضی جرجان، وجیه نسفی، سیم کش، قوامی، کمال‌الدین حسن فارسی و ...

عزالدین کاشی از اشعار شاعران عارف مسلک نیز متناسب با موضوع بهره جسته است: عبدالرزاق کاشی، شیخ ناصرالدین بجه‌ای، شمس‌الدین محمد الکیشی، عراقی، شیخ صابین‌الدین تبریزی و مولانا قطب‌الدین شیرازی، ابن فارض، شبلی، حلّاج، شیخ شهاب‌الدین سهروردی و ...

✓ توره پشته (ناشناخته):

ای اساس شرف افکنده به جایی که برو	به تکلف نرسد طائر وهم بشری
همتت خوان ملک را ز سر شرم نهد	گر نهد پیش رسولان رجا ماحضری

قَبَّةٌ قدر تو جائیست که در پایهٔ او
روح قدسی نرسد بی مدد راهبری
(برگ ۶۵)

✓ صدرالدین محمد اشنوی (سدهٔ هفتم و اوایل سدهٔ هشتم ق):

همّت باز خشین برتر از آنست که او
خود روا کی بود آخر که به ایام ظفر
آنکه او راحت روح از دم عیسی طلبد
هدهد مرده و شب برک اعمی گیرد
دست مجنون به جز از دامن لیلی گیرد
دُم خر ای عجب آخر به چه معنی گیرد؟
(برگ ۶۸)

✓ ملک شمس‌الدین کرت (۶۷۲ ق):

گر در خور جود خویش زر داشتی
بیخ شجر امید بی سیمان را
نیکی ز میان خلق بر داشتی
از آب عطاء خویش تر داشتی
(برگ ۸)

✓ سلیمان‌شاه کرد (?):

در قلب سپه تیغ زدن پیشه ماست
هر شیر که در جهان شکاری گیرد
مردی و هنر همیشه اندیشهٔ ماست
مردان دانند کو هم از پیشهٔ ماست
(برگ ۱۴)

✓ بهرام یزدجرد^۱ (۴۳۸ م):

بمثلی يضبط الدنيا و یبدین
إذا ما شئت باکرنی (?) خمیس
فیضحی حول قصری مرّحبا (?)
کان لم یبق الحرصان فیہ
لله الأذانی و الأقالیمی
یطاوع ما اقول و لایعاصی
خلّانیه (?) بحمیم فی عراضی
ومیض البرق یلمع فی النشاص

وله:

أنا ملک الهندید بهرام منشای
بذی یمن و الأصل من جرم (?) فارس

^۱ - بهرام گور (بهرام پنجم پانزدهمین پادشاه ساسانی)

لی الأرض أجبى برّها و بحارها
 ألم تر أن الصّين تأتي وفودها الیّ
 علی زعم مرؤس و آخر رأس
 إذا أضمرت أحدی الدّھارس
 لقد علم الأملاک أنّی أعزّهم
 ینصب عقابی معشر فیبرهم
 جمیعاً و أولاهم بکلّ فعال
 و ینعش قوماً آخرین نوالی
 (برگ ۳۳)
 (برگ ۳۲)

«پنج بیت آخر بالا در دستورالوزارة صفحه ۹۳ و برگ ۳۹ روضة الناظر کاشی از بهرام گور نقل شده است.» (اصفهانى، ۱۳۶۴: ۹۳)، «رباعی بالا در لسان العجم بی نام ثبت شده است.» (شعوری، ۱۱۵۵ هـ.ق: ۲۰۹)

✓ شیخ صابین الدین تبریزی (۶۸۳م ق): (در بیت نخست و آخر قطعه هفت بیتی آمده است)

بیت نخست:

مرا خدای زملک زمانه ملکى داد
 که از تغلب کس انتقال نپذیرد

بیت آخر:

که هرکه بی تعبى گنج شایگان یابد
 ز دست سفله به منت سفال نپذیرد
 به روزگار مشقت فغان نباید کرد
 در انتظار فرج طالبان درمان را
 به سردی باد خزان بیاید ساخت
 در اشتیاق رخ گل هزار دستان را
 به پیری رسیدم در اقصای یونان
 بدو گفتم ای آنکه چون عقل و هوشی
 ز مردم چه بهتر به هر حال گفتا
 خموشی خموشی خموشی خموشی
 (برگ ۷۰)
 (برگ ۵۱)

✓ بهاء الدین صاحب دیوان (۶۵۱م ق):

بنیّ اجتهد فی إقتناء العلوم
 نغز باجتناء ثمار المنی

إذا جدد سيرة فرزنا
من المجد شم المباني لنا
(برگ ۶۷)

ألم تر في رقعة بيداً
افأبأنا العز قد أسسو

✓ شمس الدین صاحب دیوان (مقتول ۶۸۳ ق):

وز حادثه جهان امان بخش منم
یعنی که جهانگیر جهان بخش منم
(برگ ۵۰)

لطف تو چه گفت گفت جان بخش منم
بگرفت جهان به فضل و پس بخشید

بکوش یحیی مانند جد و عم و پدر
مثال حالت او آتش است و خاکستر
(برگ ۶۷)

در اکتساب معالی و اقتناء هنر
هر آن پسر که تفاخر کند به نسبت خویش

«غزل هفت بیته که بیت نخست و آخر آن نقل می‌شود؛ گویا غزل حافظ با ردیف «غم مخور» با اقتراح از این قطعه صاحب دیوان سروده شده است و حافظ یک مصراع آغازین قطعه را تضمین کرده است.» (افشار، ۱۳۷۱: ۱۳-۱۴)

بشکفد گل‌های وصل از خار هجران غم مخور

کلبه احزان شود روزی گلستان غم مخور

بیت آخر:

تیر یا رب بگذرد از سنگ و سندان غم مخور
(برگ ۷۴)

تیره گردد روز خصم از یارب شب‌های من

✓ حمیدالدین بلخی (۵۵۹م ق):

هر که در ادب طلب نکند
که زمانه ترا ادب نکند
(برگ ۶۷)

بر بساط شرف طرب نکند
ادب آموز گرت می‌باید

✓ شمس نخجوانی (سده هشتم ق):

در هر محنت تعبیه صد تنگ نبات

ای کرده مسیحت احیای موات

از خط و عبارت توام روشن شد
کاندر ظلمات چون بود آب حیات
(برگ ۲۰۸)

✓ شیخ ناصرالدین بجه ای (شاعر قرن هفتم و اوایل سده هشتم ق):

ای خوش آن شب کز وصال دوست مارا دوش بود
مشتری در طالع و خورشید در آغوش بود
سعد ما فرخنده بودو لعل ما برخنده بود
ماه ما تابنده بود و کام ما پرنوش بود
گر کسی خورشید تابان را شبی در بر گرفت
بی شک آن خورشید یارم بود و آن شب دوش بود
او و من او بنده من بدم ساقی که او (کذا)
باده از رطل گران تا روز نوشانوش بود
هر قدح کز می به من دادی بگفتی هوش دار
ای مسلمانان در آن ساعت چه جای هوش بود
(برگ ۱۱۱)

✓ مسعود سعد سلمان:

شاهها که از غایت جوانمردی
در روز و غا ز زر کند پیکان
تا مرده او بدان کفن سازد
تا خسته او بدان کند درمان^۱
(برگ ۹)

✓ فردوسی (م ۴۱۱ یا ۴۱۶):

درختی که شیرین بود بار او
نگردد کسی گگرد آزار او
و گر زانکه شیرین نباشد برش
ز پا اندر آرند ناگه سرش
بماند به باغ آن و در آتش این
تو خواهی چنان باش خواهی چنین^۲
(برگ ۶۴)

یا:

چنان این سخن در دلت دار راز
که گر دلت جوید نیابدش باز
جوهر به گنجینه داران سپار
ولی راز با خویشتن باش دار

^۱ - این رباعی در دیوان مسعود سعد سلمان یافت نشد.

^۲ - ابیات فردوسی در شاهنامه یافت نشد.

وگر جز تو داند که راز تو چیست
بر آن رای و دانش ببايد گریست
(برگ ۶۹)

✓ مولانا جلال الدین رومی (م ۶۷۲ ق):
اگر دل از غم دنیا جدا توانی کرد
وگر برون نهی از منزل هوس گامی^۱
وگر به آب ریاضت برآوری غسلی
نشاط و عیش به باغ بقا توانی کرد
نزول در حرم کبریا توانی کرد
همه کدورت دل را صفا توانی کرد
(برگ ۱۰۴)

ابیات بالا به اشتباه ذیل عنوان «شیخ ابن علی سینا» ثبت شده است.

یا:

بر بوی تو هر کجا گلی دیدستم
در هر چمنی که دیده‌ام سروری را
بوییدستم سرشک باریدستم
بر یاد قد تو پاش بوسیدستم
(برگ ۱۱۲)

رباعی بالا به اشتباه تحت عنوان مولانا بهاء الدین ... آمده است.

✓ حافظ شیرازی (م ۷۹۲ ق):
«هرگز من نقش تو از لوح دل و جان نرود
آن چنان مهر تو در جان رهی دارد جا
در ازل بست دلم با سر زلفت پیوند
هرگز از یاد من آن زلف پریشان نرود
که گرم جان برود مهر تو از جان نرود»^۲
تا ابد سر نکشد وز سر پیمان نرود
(برگ ۱۱۶)

غزل بالا به اشتباه در ذیل عنوان «ناصرالدین بجهای» نقل شده است.

^۱ - ضبط دیگر: زمزل هوسات ار دوگام پیش نهی (مولوی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۵۵۷)

^۲ - ضبط دیگر:

هرگز من نقش تو از لوح دل و جان نرود
آن چنان مهر توام در دل و جان جای گرفت
هرگز از یاد من آن زلف پریشان نرود
که اگر سر برود از دل و از جان نرود
(حافظ، ۱۳۷۳: ۱۹۷)

بررسی اشعار عزالدین کاشی

بالغ بر ۲۲۹ بیت از عزالدین کاشی در این دست نویس ثبت شده است؛ که در قالب‌های رباعی، قطعه، قصیده، غزل، فرد و مثنوی به دو زبان عربی-فارسی با موضوعات غنایی و تعلیمی و حماسی سروده است. واژه‌های عربی بسامد بیشتری دارد. اشعار تعقید لفظی و معنوی ندارد و زود فهم است. جای به جای از تلمیحات قرآنی و استعارات و تشبیهات محسوس برای بیان مضامین عاشقانه و حکمی بهره می‌برد. از مختصات زبانی سبک خراسانی استفاده نشده است. غالب بحور عروضی اشعارش را بحر هزج، خفیف، متقارب، مجتث و رمل تشکیل می‌دهد. با کمک ذوق و قریحه ذاتی خود توانسته است تناسبی میان بار عاطفی محتوا و اوزان برقرار کند. ردیف فعلی مانند: است، خوش است، کند، کنند، شد، باشد، باد، دارد و کن و ردیف حرفی مانند «ها» بر موسیقی شعر افزوده است:

وز کمین بندگانت حساب کنند	نسبتم چون بدان جناب کنند
جای در دیده‌ام چو خواب کنند	بر سر و چشم خویش بنشانند
اعتبارم چو آفتاب کنند	چون ز رای تو پرتوی دارم
در پرستیدم شتاب کنند	وز شمع همچو آفتاب پرست

(برگ ۱۲۲)

بحاری زواجر به زیر سواحل	زهجرائت ای نور دیده نواظر
شموس امانی در آفاق آفل	به دور امان در مغارب غوارب
مزلزل اقالیم صبر از زلازل	شکسته نهال ثبات از قواصف
نم دیده کالغیم و الغیم هاطل	تف سینه کالبرق و البرق لامع
زپای قرارم گشاده سلاسل	دو دست سرورم بیسته مکاره
نعیق غرائب و صوت عنادل	برم گشته گلزار و گلخن برابر

(برگ ۱۳۰)

عزالدین کاشی پیرو مکتب نحوی بصره بود و آراء نحوی خود را در کتاب «شرح مفصل» زمخشری به طور مبسوط ذکر کرده است؛ لذا در قطعه‌ای ذیل عنوان «مؤلف» از گفته

«سیبویه» و «أخفش» این گونه یاد می‌کند:

زان دم که فتاده در کشاکش
وان خیمه ازرق منقش
از رای تو آفتاب مه وش
در کوشکی نشسته سرخوش
چون طبع تو رشک آب و آتش
وز گفته «سیبویه» و «أخفش»
بر عادت خویش دست درکش
بر شاخ طرب نهد معشش
(برگ ۱۶۹)

ای مثل تو تا کنون نبوده
این پرده سبزکار زربفت
دریوزه هزار بار کرده
بنده ست و حریفکی دو همدم
با شیشکی شراب صافی
فارغ ز مقاله ارسطو
وز غایت شوق با خیالت
بر سر هوس آنکه مرغ خاطر

در غزل هشت بیتی زیر زیبایی های معشوق را با لطافت شوق‌انگیز و درد جانسوز فراق به قلم می‌آورد:

چشم ترا سحر حلالی خوش است
گر بتوان دید هلالی خوش است
راست توان گفت نهالی خوش است
بر لب میگون تو خالی خوش است
صورت خط تو مثالی خوش است
گرچه محال است محالی خوش است
گرچه خیال است خیالی خوش است
در طلب وصل تو حالی خوش است
(برگ ۲۱۲)

روی ترا حسن و جمالی خوش است
طاق دو ابروی ترا راستی
سرو قدت در چمن باغ من
همچو دل لاله شده غرق خون
سلطنت حسن دلاویز را
دست در آغوش تو کردن به کام
و آرزوی دیدن رویت به خواب
سوختن از هجر تو و ساختن

عزالدین کاشی در باب اول قسم ثانی ابیاتی را تحت عنوان «الأحاجی و المشکلات» می‌آورد و در سرودن معماً قریحه پرداز می‌کند؛ «معماً در لغت به معنی پوشیده و در اصطلاح ادبی آن است که نام کسی یا چیزی را پوشیده بیاورند که فهم آن با تصحیف و قلب و دقت زیاد حاصل شود.» (همایی، ۱۳۶۱: ۳۴۳) و به «ذکر نام شخصی یا چیزی به نحو پیچیده مثلاً حساب جمل از مشخصات و

اوصاف او یاد کنند.» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۱۷۸)

سیع عشر حرف اوّل را چو تیر
تا بدانی نام یار بی نظیر
(برگ ۲۱۹)

اشک را مقلوب گردان پس بگیر
در میان ثانی و ثالث نگار

یا:

قلب قلب قلب قلب باشد بی گمان
مابقیش نصف مال ربع جذر مال آن
(برگ ۲۱۸)

حرف اوّل زاسم دلدار من از روی حساب
حرف ثانی ضعف جمع کعب عین و جذر ظا

نتیجه‌گیری

جُنگ کاشی (جُنگ نخجوانی) به خطّ و کتابت عزالدین عبدالعزیز کاشی مابین قرن هفتم و هشتم ه.ق به دو زبان فارسی - عربی تألیف شده است. از این مؤلف جُنگ دیگری به نام روضةالناظر و نزهةالخواطر تدوین گردیده است. این دست نویس از لحاظ دارا بودن اشعار بی‌سابقه از شاعران مشهور و ارائه ضبط‌های متفاوت حائز اهمیت می‌باشد. این مجموعه خطی از سه قسم و ۲۷ باب و ۵ فصل تشکیل شده است. عنوان‌های قسم اول و باب اول و فصل اول به دلیل افتادگی آغازین نسخه خطی معلوم نیست. عنوان اشعار در موضوع کرم و مروّت و شجاعت شروع می‌شود و قسم ثانی در موضوع مکاتبات و مراسلات و قسم ثالث در موضوع متفرقات تألیف شده است. بالغ بر ۲۰۹ بیت از خود مؤلف (عزالدین عبدالعزیز کاشی) در این جُنگ شعری آمده است که به دو زبان عربی و فارسی در قالب‌های رباعی، مثنوی، قطعه و قصیده سروده شده است. این جُنگ ادبی گنجینه مستحکم از اشعار شاعرانی است که گذر زمان، غبار نسیان بر آثار مدوّن آنان پاشیده است و در این نسخه خطی می‌توان باقی مانده اشعارشان را یافت و مجموعه‌ای است از اشعار عرفا و حکما و نویسندگان و فرهنگ نویسان که اشعارشان در تذکره‌ها و فرهنگنامه‌های دیگر بی‌نام ذکر گردیده‌اند.

فهرست منابع و مآخذ

الف: کتب

- ۱ - اصفهانی، محمود بن محمد بن الحسین، (۱۳۶۴ش)، دستورالوزاره، تصحیح انزابی نژاد، تهران: امیرکبیر.
- ۲ - تبریزی، ابوالمجدبن مسعود، (۱۳۸۱)، سفینه تبریز، تهران: نشر دانشگاهی.
- ۳ - جربادگانی (گلپایگانی)، نجیب‌الدین، (۱۳۸۹)، دیوان، تصحیح محمود مدبری، کرمان: دانشگاه شهید باهنر.
- ۴ - حافظ، شمس‌الدین محمد، (۱۳۷۳)، دیوان، تصحیح قزوینی و قاسم غنی، تهران: آروین.
- ۵ - حکیمیان، ابوالفتح، (۱۳۵۱)، آئین نگارش فارسی، تهران: بی‌نا.
- ۶ - حمیدالدین، ابوبکر عمر بن محمود بلخی، (۱۳۹۴)، مقامات حمیدی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۷ - دانش پژوه، محمدتقی، (۱۳۴۸)، فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی، تهران: دانشگاه تهران.
- ۸ - درایتی، مصطفی، (۱۳۹۱)، فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
- ۹ - _____، (بی‌تا)، فهرستواره دست‌نوشته‌ها ایران (دنا)، مشهد: مؤسسه فرهنگی و پژوهشی الجواد(ع).
- ۱۰ - رشیدی آشجودی، مرتضی، (۱۳۸۷)، مقدمه، تصحیح، تحشیه منتخب روضة الناظر و نزهه الخاطر اثر عزالدین کاشی، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- ۱۱ - شمیسا، سیروس، (۱۳۸۸)، نگاهی تازه به بدیع، تهران: میترا، چاپ اول.
- ۱۲ - _____، (۱۳۸۱)، انواع ادبی، تهران: فردوسی.
- ۱۳ - شعوری، حسن بن عبدالله، (۱۱۵۵ق)، لسان العجم (فرهنگ شعوری)، کتابخانه دیجیتال کتابخانه موضع و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- ۱۴ - صفری آق قلعه، علی، (۱۳۹۰)، نسخه شناخت، تهران: میراث مکتوب.

- ۱۵ فردوسی، ابوالقاسم، (۱۳۷۱)، شاهنامه، به تصحیح ژول مل، تهران: سخن.
- ۱۶ کاشی، عزالدین عبدالعزیز، (بی تا)، جنگ روضة الناظر و نزهة الخاطر، تهران: میکروفیلم کتابخانه مرکزی شماره ۲۴۷.
- ۱۷ کیشی، شمس الدین محمد، (۱۳۹۰)، مجموعه آثار شمس الدین محمد کیشی، تحقیق و تصحیح نجف جوکار، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- ۱۸ لسان العجم، شعوری، (۱۱۵۵ق)، حسن بن عبدالله ۱۱۰۵ ق، کتابخانه دیجیتال کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، قسطنطنیه.
- ۱۹ هایل هروی، نجیب، (۱۳۶۹)، نقد و تصحیح متون، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
- ۲۰ مسعودی، علی بن الحسن بن علی، (۱۴۰۹ ق)، مروج الذهب و معاون الجوهر، ج ۴، تحقیق اسعد اغر، قم: دارالجرة.
- ۲۱ مولوی، جلال الدین محمد بن محمد (۱۳۸۷)، غزلیات شمس تبریز، ۲ جلد، تهران: سخن.
- ۲۲ هاشمیان، هادی، (۱۳۹۳)، فهرست نسخه های خطی کتابخانه تبریز (نسخه های اهدائی مرحوم حاج محمد نخجوانی)، کتابخانه تبریز، چاپ اول.
- ۲۳ همایی، جلال الدین، (۱۳۶۱)، فنون بلاغت و صناعات ادبی، تهران: توس، چاپ دوم.

ب: نشریات و مقالات

- ۲۴ افشار، ایرج، (۱۳۷۱)، غزل شمس الدین صاحب دیوان و غزل شمس الدین حافظ شیرازی، کلک، ش ۳۴، صص: ۱۳-۱۴.
- ۲۵ _____، (۱۳۸۸)، نگاهی به ضابطه های نسخه شناسی، نامه بهارستان، سال دهم، شماره ۱۵.
- ۲۶ _____، (۱۳۸۰)، جنگ و بیاض در تازه ها و پاره های ایرانشناسی، بخارا، شماره ۱۹ صص: ۷۱-۷۲.
- ۲۷ دولت آبادی، عزیز، (۱۳۸۳)، آشنایی با جنگ نخجوانی، نشریه کتابخانه ملی تبریز، شماره ۱۶،

صص: ۹۶-۱۲۰.

- ۲۸ رضاپوریان، اصغر، (۱۳۹۵)، *نقد جنگ بیاض*، پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی، شماره ۳، پاییز، صص: ۷۱-۸۸.
- ۲۹ روحی‌دل، اله، (۱۳۸۰)، *بررسی برخی از نشانه‌های نسخه اصل*، نشریه اطلاع‌رسانی و کتابداری، شماره ۳۶.
- ۳۰ عمادی حائری، محمد، (۱۳۸۳)، *عزالدین عبدالعزیز کاشی: شناسایی، کتابشناسی نسخه جوینی*، نسخه پژوهی، دفتر دوم، صص: ۳۸۱-۳۹۵.
- ۳۱ مدبری، محمود، (۱۳۹۵)، *کهن‌نامه ادب فارسی*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هفتم، شماره اول، بهار، صص: ۸۹-۱۰۹.
- ۳۲ نحوی، اکبر، (۱۳۹۳)، *شاعران منطقه فارس در تذکرة عرفات العاشقین*، مجله: *ضمیمه آینه میراث* شماره ۳۵، صص: ۱۴۱-۱۵۵.
- ۳۳ خوریان، سیدمهدی و همکاران، (۱۳۸۶)، *باغ نظر و رامش دل*، اصفهان، گوهر گویا، دوره ۱، شماره ۳، صص: ۳۳-۶۲.
- ۳۴ وفایی، محمدافشین؛ بشری، جواد، (۱۳۹۷)، *سفینه، مجموعه، جنگ، تحولات تاریخی یک نوع ویژه ادبی*، دو فصلنامه زبان و ادب فارسی، دانشگاه خوارزمی، دوره ۲۶، شماره ۸۵.